

سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی

جعفر کوشا*

مهدی قربانی قلجلو**

چکیده

امنیت غذایی وضعیتی است که در آن همه مردم در هر زمان، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند تا نیازهای تغذیه‌ای و اولویت‌های غذایی خود را برای یک زندگی پویا و سالم برآورده کنند. دستیابی به امنیت غذایی در چارچوب اهداف جدید توسعه پایدار (تا سال ۲۰۳۰ میلادی، به دغدغه و عزم جهانی ملل متحد بدل شده است. مقاله حاضر پس از معرفی مفهوم و مبانی حقوقی شکل‌گیری امنیت غذایی به عنوان هنجار در سطوح فراتقنینی و تقنینی، جلوه‌ها و مصادیق بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در برابر رفتارهای ناقض امنیت غذایی را در سیاست‌جنایی تقنینی ایران و در بستر سیاست‌گذاری عمومی و کلان ملی زیر چتر اسناد بین‌المللی به تصویر می‌کشد که تحقق امنیت غذایی را در دنیا هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و هماهنگ می‌کنند. نتیجه این پژوهش مؤید آن است که جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در بستر سیاست‌جنایی تقنینی ایران، بصورت غیرمنسجم و با برخی پیش‌روی‌ها و پس‌روی‌ها، بخشی از تهدیدهای ناقض ارکان و مؤلفه‌های روزآمدشده امنیت غذایی را پوشش می‌دهد و با گرایش به مدل‌های دولتی سیاست‌جنایی، اشکال نوین جرایم جهانی و تروریستی ناقض امنیت غذایی را در بر نمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی، سیاست عمومی، سیاست‌جنایی ایران، بزه‌انگاری،

پاسخ‌گذاری کیفری.

Jkoosh@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

M_ghorbany@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۵

مقدمه

غذا در شمار نخستین و ضروری‌ترین نیازهای بشر طبقه‌بندی می‌شود. ادامه حیات، فعالیت، رشد و تعالی فردی و اجتماعی انسان نیز مرهون تغذیه مناسب و بهره‌مندی آحاد جامعه از غذای کافی و سالم است. از این رو نیاز انسان به غذا در برابر سایر نیازها، از منظر ابعاد زمانی، تغذیه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ویژگی‌های متمایزی دارد. گزارش سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط حاکی است که در یک دهه منتهی به ۲۰۱۵ میلادی، تعداد افراد در معرض گرسنگی و سوء تغذیه با ۱۶۷ میلیون نفر کاهش، به حدود ۷۹۵ میلیون نفر رسیده است.^۱ بدین سبب، دسترسی مداوم آحاد جامعه به غذای سالم و کافی با تعبیر امنیت غذایی،^۲ اهمیتی دوچندان یافته است. در همین راستا امنیت غذایی از سال ۱۹۷۴ میلادی در نشست‌های جهانی غذا^۳ مورد توجه قرار گرفت و مفهوم آن در نشست‌های بعدی تا دهه اول سال ۲۰۰۰ میلادی روزآمد شد.

در پی تداوم بحران جهانی فقر و گرسنگی و ضرورت تأمین غذای کافی و سالم برای آحاد مردم در سده معاصر، مبارزه با فقر و گرسنگی در اهداف توسعه هزاره^۴ سال ۲۰۰۰ میلادی برای کاهش تعداد چنین افرادی در دنیا به نصف تا سال ۲۰۱۵ میلادی ترویج و تأمین امنیت غذایی و تغذیه با محوریت توسعه پایدار کشاورزی، هدف‌گذاری شد و در اهداف توسعه پایدار^۵ مصوب ۲۰۱۵ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان دومین هدف، تصریح و برقراری امنیت غذایی برای دوره زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ میلادی به عزم جهانی ملل متحد بدل گردید.

هر چند درک عمیق ماهیت امنیت غذایی به عنوان مفهومی چندبعدی و میان‌رشته‌ای، نیازمند مطالعه مفاهیم اقتصادی، کشاورزی، صنایع غذایی، تغذیه‌ای، سیاسی و غیره و از محدوده این مقاله خارج است، اما فهم اجمالی آن (به عنوان پدیده اجتماعی و جنایی) برای بحث در حوزه سیاست جنایی اهمیت دارد. گفتنی است که پیشرفت دانش بشری موجب تحول و ارائه تعاریف جدید امنیت غذایی توسط نهادهای بین‌المللی شده است و نویسندگان حدود دویست تعریف از امنیت غذایی برشمرده‌اند.^۶ تعاریف ارائه‌شده با تحول و جهش‌های مفهوم امنیت غذایی از سطح فردی به جهانی،

1. Zhangyue, Zhou, "Achieving food security in China: past three decades and beyond", China Agricultural Economic Review, Vol. 2, Iss 3, 2010, p. 252.

2. Food Security

3. World Food Summit

4. Millennium Development Goals (MDGs)

5. Sustainable Development Goals (SDGs)

6. Simon, George-André, Food Security: Definition, Four dimensions, History, Basic readings as an introduction to Food Security for students from the IPAD Master, SupAgro, Montpellier attending a joint training programme in Rome, 2012, p. 4.

غلبه رکن دسترسی بر رکن موجود (کافی) بودن غذا، توسعه تعریف امنیت غذایی به سمت یکی شدن با تعریف ایمنی غذایی^۱ (به معنای قابلیت اطمینان و اعتمادزایی نظام غذایی) و تغذیه،^۲ تعیین اولویت‌های غذایی^۳ اعم از اجتماعی - فرهنگی، همچنین واسطه (و نه هدف) بودن آن برای تحقق زندگی پویا و سالم^۴ و مرتبط شدن مفهوم امنیت غذایی با حقوق بشر و حق بر توسعه همراه شده است. در نهایت نشست جهانی غذای سال ۱۹۹۶ میلادی، امنیت غذایی را در سطوح فردی، خانگی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا کرد؛ موقعیتی که آحاد مردم، در تمام اوقات دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند تا نیازهای تغذیه‌ای و اولویت‌های غذایی خود را برای یک زندگی پویا و سالم برآورده (تأمین) کنند. این تعریف در نشست نامی غذایی^۵ ۲۰۰۱ میلادی به شرح زیر بهبود یافت:

«وضعیت امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که تمام مردم در هر زمان، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند تا نیازهای تغذیه‌ای و اولویت‌های غذایی خود را برای یک زندگی پویا و سالم تأمین کنند.»^۶

در این راستا پاسخ عملی جامعه جهانی تمرکز بر هدف‌گذاری کاهش و حذف فقر و گرسنگی برای برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی اقدامات دولتی ملی و بین‌المللی بود و نهادهای فراملی مانند برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد^۷ و بانک جهانی نیز در این راستا تعاریف دیگری از امنیت غذایی ارائه کردند.

در نظام تقنینی ایران، اصطلاح امنیت غذایی برای نخستین بار در قانون ماده واحده الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهای که به طور جدی با خشکسالی و بیابان‌زایی مواجه می‌باشند،^۸ مصوب ۱۳۷۵ به کار رفت،^۹ در حالی که تعبیر ناامنی غذایی در قوانین ایران سابقه‌ای ندارد.^{۱۰} در پی آن

1. Food Safety

2. Nutrition

3. Food preferences

۴. بر اساس گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴ میلادی که ساختار امنیت انسان و اجزای آن را برشمرد و امنیت غذایی تنها یکی از آنها بود.

5. The State of Food Insecurity, 2001

6. FAO, 2002, The State of Food Insecurity in the World 2001, Rome.

7. World Food Programme (WFP)

۸. این کنوانسیون در ۱۷ ژوئن سال ۱۹۹۴ میلادی (۲۷ خرداد سال ۱۳۷۳ شمسی) در پاریس تنظیم گردید.

۹. مقدمه، بند ۲ ماده ۴ از بند ۳ ماده ۸ الحاقیه یک، بخش پ از بند سوم ماده ۱۰ و بند ۴، بند پ ماده ۴ الحاقیه ۴. همچنین در ماده ۱۰ این قانون آمده است: برنامه‌های عمل ملی ... اعتلای شیوه‌های

معیشتی جایگزین و بهبود محیط‌های اقتصاد ملی به منظور تقویت برنامه‌هایی که در راستای فقرزدایی و

تضمین امنیت غذایی اجرا شود (بخش ۴ از بند ۳ ماده ۱۰ قانون).

۱۰. تعبیر فقر غذایی (علاوه بر سوء تغذیه) در موارد اندکی در ادبیات تقنینی ملی (قوانین بودجه سال‌های

۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ کشور) به کار رفته است.

امنیت غذایی در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی در یک تعریف کاربردی «دسترسی همه افراد جامعه به غذای کافی و سالم»^۱ تعبیر شد و با آخرین تحولات فاصله دارد.

به منظور تمرکز و شناخت بخشی از ساختار خاص سیاست جنایی ایران در قبال نقض امنیت غذایی از طریق درک نامتغیرهای آن،^۲ مطالب این مقاله به نحوی سامان‌دهی شده است که امنیت غذایی ابتدا به عنوان پدیده اجتماعی و گذار آن به سوی پدیده جنایی، مطرح و در همین راستا، تعریف، مفهوم و ارکان آن همراه با مبانی حقوقی شکل‌گیری امنیت غذایی به مثابه هنجار حقوقی در پرتو حقوق بشر و اسناد بین‌المللی به اختصار تبیین می‌شود (قسمت نخست). در پاسخ به سؤال پژوهش و برای درک جایگاه و موقعیت امنیت غذایی در سیاست جنایی ایران، ابتدا منابع و جلوه‌های امنیت غذایی در بستر سیاست‌گذاری عمومی ایران (قسمت دوم) بررسی و در نهایت جلوه‌های مهم بزه‌نگاری و پاسخ‌گذاری کیفری ملی در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی به عنوان گرانیگاه سیاست جنایی در حوزه جرایم داخلی و فراملی (تروریستی و جهانی‌شده)، تحلیل و زمینه مقایسه و برآورد هم‌سویی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در ایران با اسناد بین‌المللی فراهم می‌شود (قسمت سوم).

۱. امنیت غذایی: از پدیده اجتماعی تا پدیده جنایی

امنیت غذایی یکی از ابعاد مهم امنیت اجتماعی است و با حقوق بشر پیوند تنگاتنگی دارد. واژه امنیت در این اصطلاح، به امنیت مردم از ناحیه غذا و تغذیه - و نه امنیت مواد غذایی - اشاره می‌کند.^۳ امنیت غذایی به عنوان پدیده اجتماعی چندبعدی، چندلایه و میان‌رشته‌ای، مفهوم، ارکان و اجزایی دارد که به عنوان ارزشی اساسی و مستلزم حمایت در جامعه جهانی و ایران پذیرفته شده و سیاست‌گذاری‌های عمومی و کلان آن را در بر گرفته‌اند. در اثر بروز ناهنجاری‌های سنتی و نوین در قالب انحراف‌ها و بزه‌های صنفی، انضباطی - اداری، مدنی و کیفری، امنیت غذایی به مخاطره افکنده می‌شود و به پدیده جنایی مبدل می‌گردد.

در این بخش، نخست امنیت غذایی به عنوان پدیده اجتماعی موضوع سیاست‌گذاری

۱. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۹۴.

۲. دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳، صص. ۱۲۸ - ۱۲۱.

3. Butrico, Gina Marie, Food Security and Identity: Iceland, MA, Kent State University, College of Arts and Sciences, Department of Geography, 2013, p.42.

عمومی، ماهیت‌شناسی می‌شود. سپس به صورت گذرا مبانی شکل‌گیری آن به مثابه هنجار حقوقی در سطوح فراتقنینی و تقنینی تبیین می‌گردد.

۱-۱. مفهوم و ارکان امنیت غذایی

مفهومی که نگارندگان با مذاقه در تعاریف مختلف فراملی و ملی از امنیت غذایی استنباط و اختیار کرده‌اند، عبارت است از دسترسی پایدار فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام آحاد جامعه (به ویژه اقشار در معرض آسیب یا نیازمند حمایت) در سطوح فردی، خانگی، ملی و جهانی به مقدار کافی از غذای پاک، ایمن، سالم و مغذی به منظور مصرف مبتنی بر اولویت‌های غذایی و دانش تغذیه‌ای برای داشتن زندگی پویا و سالم با بهره‌برداری صحیح و عادلانه از منابع طبیعی و در نظر گرفتن بهره‌مندی نسل‌های آتی. این قرائت از امنیت غذایی، ارکان و مؤلفه‌ها (موجود بودن، دسترسی، قابلیت مصرف و پایداری)، سطوح مختلف (فردی، خانگی، ملی و جهانی)، مشخصه‌های آیینی امنیت غذایی (مانند حلیت و حرمت در اسلام) و مسائل و چالش‌های روز آن، مانند چالش حفظ منابع تأمین غذا برای نسل‌های آتی و بهره‌گیری عادلانه و غیرمخرب از منابع طبیعی را نیز در بر می‌گیرد.

همچنین در منابع مطالعاتی چهار رکن اصلی موجود بودن غذا،^۱ در دسترس بودن غذا^۲ و مصرف (استفاده) از غذا^۳ و ثبات یا پایداری^۴ امنیت غذایی بر شمرده^۵ و سلامت یا ایمنی غذا و تناسب اجتماعی - فرهنگی برای قابلیت مصرف نیز به معیارهای امنیت غذایی تعبیر شده است.^۶ مؤلفه‌های جدیدی مانند اولویت‌های غذایی^۷ (دسترسی به غذای دارای اولویت به جای صرفاً دسترسی به غذای کافی) و تضامینی علیه مخاطره‌های مختل‌کننده امنیت غذایی^۸ نیز در سطح فراملی برای امنیت غذایی بر شمرده شده است. آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا^۹ عامل اخیر را به عنوان عاملی کلیدی، نشانگر برخی علل نادیده گرفته شده در ناامنی غذایی^{۱۰} به ویژه

1. Food Availability
2. Food Access
3. Use or Usable
4. Stability
5. Butrico, Gina Marie, op. cit, p. 8.
6. World Commission on Environment and Development, Our Common Future, 1987.
7. Food Preferences
8. Safeguards against risks of disruption
9. The United States Agency for International Development (USAID)

۱۰. به عنوان نمونه کشوری که بیش از حد بر واردات غذا تکیه می‌کند و فاقد نظام غذایی داخلی با ثبات و پایدار است، بر اثر اختلال در واردات منتهی به کمبود و محدودیت غذایی داخلی، از منظر عامل اخیر با ناامنی غذایی مواجه می‌شود. در حالی که همین شرایط (اخلال در واردات) از منظر ارکان امنیت غذایی، در وضعیت حایز امنیت غذایی طبقه‌بندی می‌شود.

عوامل مرتبط با جهانی شدن غذا دانسته است. ضمن اینکه پیوند ناگسستنی امنیت غذایی و تغذیه موجب شده امنیت غذایی بدون تغذیه صحیح مفهومی نداشته باشد، همچنانکه مسأله ایمنی غذایی نیز به عنوان بخش ضروری امنیت غذایی و دانش تغذیه‌ای نیز بعد دیگر امنیت غذایی شناخته شده است.^۱

۲-۱. مبانی شکل‌گیری امنیت غذایی به مثابه هنجار حقوقی در پرتو حقوق بشر و اسناد بین‌المللی

امنیت غذایی بر پایه نیاز ضروری انسان‌ها به غذای کافی، سالم و مغذی برای ادامه حیات و رشد و بنابر مسئولیت دولت‌ها برای تحقق رفاه و امنیت اجتماعی از جمله حق بر غذای آحاد جامعه^۲ بنا نهاده شده است. تحقق این فرع از امنیت، مرهون زیرساخت‌های فنی - لجستیکی، مالی - اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، اقلیمی، آب و هوایی و بهداشتی - سلامتی (به عنوان مبانی عمومی، علمی و فنی) است. پیدایش این مفهوم از یک سو حاصل نشست‌های جهانی غذا و اسناد بین‌المللی خاص است و از سوی دیگر، مفاهیم حقوق بشری و نسل‌های مختلف آن و اسناد بین‌المللی عام در شناسایی و پذیرش آن به عنوان یک هنجار حقوقی توسط دولت‌ها، نقش داشته و به تدریج در نظام‌های تقنینی ملی وارد شده است که به اختصار اشاره می‌شود.

۱-۲-۱. مبانی حقوق بشری نسل اول و دوم امنیت غذایی

امنیت غذایی مفهومی نو و مولود حقوق بشر نسل اول و دوم همچون حق بر امنیت، حق بر زندگی، حق بر غذا، حق بهره‌مندی از غذای کافی، حق بنیادین بر رهایی از گرسنگی و حق زندگی با معیارهای مناسب است. این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ (۱۹۴۸) و کنوانسیون‌های حقوق بشری بالاجرا شده (۱۹۷۶) ذکر شده است. اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶ و لازم‌الاجرا شده ۱۹۷۶) ذکر شده است. حق بر غذا نیز در معاهداتی مانند رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان^۴ (۱۹۷۹)، اعلامیه جهانی حقوق کودک و معاهده حقوق کودک (۱۹۸۹) قابل رهگیری است و در اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره از آن با تعبیر حق خوراک یا حق بر تغذیه و تأمین و تضمین حق هر انسان در زندگی شرافتمندانه شامل خوراک^۵ یاد شده است. همچنین

1. Ibid, pp. 42-43.

۲. اعلامیه کنفرانس جهانی تغذیه، ۱۹۹۶، ص. ۲۲۸، بند ۱۶.

۳. ماده ۲۵ به عنوان جزئی از حق زیستن با معیارهای مناسب.

۴. ماده ۱۲ بند ۲.

۵. همان، بند ج ماده ۱۷.

حق بر غذای کافی و رهایی از گرسنگی به عنوان حقی بنیادین، در بندهای اول و دوم از ماده ۱۱ معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد.

اعلامیه کنفرانس جهانی تغذیه (۱۹۹۲م) بر حق انسان‌ها در دستیابی به شرایط مناسب زندگی از جمله دسترسی به غذای کافی و حق دستیابی هر انسان به غذای سالم و کافی مبتنی بر علم تغذیه اشاره کرده است. اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳) نیز برخورداری از سطح مناسب زندگی برای تندرستی و رفاه (از جمله تغذیه) را لازم دانسته و بر کاهش نرخ سوءتغذیه کودکان و برخورداری زنان از بالاترین استانداردهای سلامتی، جسمی و روانی در طول زندگی تأکید کرده است.

در همین راستا در اجلاس جهانی غذای سال ۱۹۹۶ با تأکید مجدد بر حق هر فرد به دسترسی به غذای ایمن (سالم) و مغذی و منطبق و سازگار با حق بر غذای مناسب (کافی) و حق بنیادین هر فرد بر عاری بودن از گرسنگی، از کمیسیونر عالی حقوق بشر ملل متحد خواسته شد تا با مشورت فائو، حقوق یادشده را تبیین کند. در واقع حق بر غذا از سال ۱۹۴۸ بموجب ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شد، اما از اواسط دهه ۱۹۹۰ و مشخصاً از نشست جهانی غذای سال ۱۹۹۶م شفاف شد. متعاقباً کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق، با تصویب تفسیر کلی^۱ در سال ۱۹۹۹ دولت‌ها را در خصوص محتوای حق بر غذا راهنمایی کرد.

حقوق یادشده در اسناد بین‌المللی غیرالزام‌آوری مانند دستورالعمل حق بر غذای شورای سازمان خواربار ملل متحد (مصوب ۲۰۰۴ میلادی)، دستورالعمل اختیاری حمایت از شناسایی پیشرو حق بر غذای مناسب (کافی) در اوضاع و احوال امنیت غذایی جهانی (مصوب نوامبر ۲۰۰۴)^۲ و سند مهم موسوم به راهنمایی برای پیشبرد تحقق حق بر غذا در زمینه امنیت غذایی ملی^۳ نیز مشاهده می‌شود.^۴ اسناد منطقه‌ای مانند پروتکل تکمیلی الحاقی به معاهده امریکایی حقوق بشر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (موسوم به پروتکل سن سالوادور ۱۹۸۸)^۵ نیز حاوی چنین حقوقی است.

1. General comment
2. The Voluntary Guidelines to Support the Progressive Realization of the Right to Adequate Food in the Context of National Food Security (Right to Food Guidelines).
3. The Voluntary Guidelines for the Progressive Realisation of the Right to Food in the Context of National Food Security.
این سند مهم توسط ۱۸۷ کشور در شورای (هیأت) عمومی سازمان خواربار جهانی (فائو) تصویب شده است.
4. U.N Special Rapporteur on the Right to Food official Webpage, Available at <http://www.srfood.org/en/right-to-food>.
5. The Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the Area of Economic, Social and Cultural Rights, known as the Protocol of San Salvador (1988), The African Charter on the Rights and Welfare of the Child (1990), The Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa (2003).

۲-۲-۱. مبانی حقوق بشری نسل سوم امنیت غذایی

امنیت غذایی در حق بر توسعه^۱ به عنوان حق بشری نسل سوم نیز ریشه دارد. حقی که برای نخستین بار در قطعنامه شماره ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶ به رسمیت شناخته شد. در حالی که توسعه پایدار در سند کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به آینده مشترک ما در سال ۱۹۸۷ به توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون خدشه به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند، تعبیر شده بود، مجمع عمومی سه دهه بعد در سند موسوم به دگرگونی دنیای ما: برنامه توسعه پایدار (تا) سال ۲۰۳۰ میلادی^۲ از مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار برای دوره پانزده ساله ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ میلادی، مصوب هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد سپتامبر ۲۰۱۵ - تدوین شده مقارن اتمام دوره اهداف هشت‌گانه توسعه هزاره مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی - بر مفهوم زیر از توسعه پایدار تأکید کرد:

«حذف فقر در تمامی اشکال و ابعاد آن، مبارزه با نابرابری در داخل و میان کشورها، حفظ و حراست از زمین، ایجاد رشد پایدار، فراگیر و مستمر اقتصادی و پرورش اجتماعی...»

هدف دوم از مجموعه برنامه توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ میلادی به صراحت تضمین امنیت غذایی، تغذیه و کشاورزی پایدار را برشمرده است. پیش‌تر در اجلاس ریو به علاوه بیست سال ۲۰۱۲ با عنوان توسعه پایدار^۳ بر موضوع امنیت غذایی تأکید شد. در بخشی از سند این اجلاس با عنوان آینده‌ای که ما می‌خواهیم، به حق توسعه، حق بر زندگی با استانداردهای مناسب بر حق بر غذا و امنیت غذایی اشاره^۴ و در بخش دیگر به امنیت غذایی و تغذیه و کشاورزی پایدار (بند ۱۰۸ تا ۱۱۸) و در ادامه به آب و سلامت (از بند ۱۱۹ تا ۲۴) پرداخته شد. در بخش امنیت غذایی و تغذیه سند اجلاس مذکور، بر تعهدات دولت‌ها به در نظر گرفتن حق آحاد مردم بر دسترسی به غذای ایمن، کافی و مغذی سازگار و متناسب با حقوق یادشده مجدداً تأکید گردید.^۵ ضمن اینکه مفاهیم نوی دیگری مانند دفاع از غذا، حمایت از غذا، عدالت غذایی، حاکمیت غذایی^۶

1. Right to Development
2. UN RESOLUTION ADOPTED BY THE GENERAL ASSEMBLY ON 25 SEPTEMBER 2015 (A/70/L.1)], "TRANSFORMING OUR WORLD: THE 2030 AGENDA FOR SUSTAINABLE DEVELOPMENT".
3. The United Nations Conference on Sustainable Development, Rio de Janeiro, Brazil, from 20 to 22 June 2012.
4. UN RESOLUTION (A/70/L.1), OP.CIT.
5. UN Resolution of United Nations Conference on Sustainable Development, The Future We Want, Rio de Janeiro, Brazil, June 2012, A/RES/66/288.
6. Food Defense, Food Protection, Food Justice, Food Sovereignty.

نیز در ادبیات موضوع قابل مشاهده و محصول پیشرفت‌های همین حوزه است.^۱ حال با در نظر گرفتن امنیت غذایی به عنوان پدیده اجتماعی و متعاقب سیاست‌گذاری عمومی، گونه‌هایی از تهدیدهای ناقض امنیت غذایی به عنوان پدیده جنایی در نظام تقنینی ایران بزه‌انگاری^۲ شده و با تدابیر اجتماعی یا حقوقی پاسخ‌گذاری شده است، از این رو شامل مدل سیاست‌جنایی صفر نیست. ضروری است این پدیده جنایی در چارچوب سیاست‌جنایی نظام‌یافته، جامع و با اتخاذ راهبردهای کنشی و واکنشی با الهام از اسناد بین‌المللی و فرامنطقه‌ای (بیشتر غیرکیفری) – که زیرساخت‌ها و برنامه‌های تحقق امنیت غذایی را در چارچوب توسعه پایدار در دنیا سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و هماهنگ می‌کنند – با توجه به ظرفیت‌ها و شرایط بومی کشور، مدیریت و مهار شود.

۲. امنیت غذایی در بستر سیاست‌گذاری عمومی ملی

سیاست جنایی مانند انواع سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یا بهداشتی، در چارچوب سیاست عمومی دولت‌ها ترسیم، تعریف و اجرا می‌شود.^۳ به بیان دیگر سیاست‌گذاری جنایی خود تابع و بخشی از سیاست‌گذاری عمومی^۴ است که در مفهوم امروزی و موسع خود به یکی از قلمروهای سیاسی – اجتماعی بدل شده است.^۵ به تعبیر کریستین لازرژ استاد فرانسوی «سیاست‌جنایی در چارچوب یک استراتژی (راهبرد) کلی که چیزی جز سیاست اجتماعی یک دولت معین یا جامعه‌ای از دولت نیست، قرار می‌گیرد ... هر رویکرد سیاست‌جنایی مستلزم خوانش آموزه‌ها در زمینه کیفری نیز هست، زیرا راه‌حل‌های پیشنهادی به منظور خنثی کردن و حل و فصل (مسائل ناشی از) پدیده مجرمانه، در معنای وسیع کلمه سیاسی است.»^۶

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص دفاع از غذا و حمایت از غذا ر.ک:

Busta, Francis; Kennedy, Shaun, Chapter 7: Defending the Safety of the Global Food System from Intentional Contamination in a Changing Market, *Advances in Food Protection-Focus on Food Safety and Defence*, (NATO Science for Peace and Security Series- A: Chemistry and Biology, edited by Magdy Hefnawy, Springer, 2011, p. 52.

۲. با اشاره به مفهوم موسع بزه‌انگاری در ادبیات سیاست جنایی (اعم از جرم‌انگاری)، تعبیر نابهنجارانگاری نیز در برخی متون سیاست جنایی قابل مشاهده است، ر.ک: حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران و سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیپاچه در: دلماس-مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳، ص. ۴۶.

4. Public Pulicy

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، پیش‌گفتار مترجم در: لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست‌جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۲، ص. ۱۵.

۶. لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲، صص. ۴۶-۴۵.

از این رو دریافتن چارچوب سیاست‌جنایی ایران بدون اشراف بر سیاست عمومی مرتبط (به تعبیر برخی کشورها سیاست غذایی)^۱ امکان‌پذیر نیست و برای دست یافتن به رویکرد و محتوای سیاست‌گذاری عمومی در این عرصه، شناخت منابع و رویکرد سیاست‌گذاری و مصادیق و جلوه‌های آن ضروری است. سیاست‌گذاری عمومی ایران در حوزه امنیت غذایی با رویکرد ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها، حمایت و پیشگیری (غیرکیفری) مرهون اسناد بالادستی و در صدر آنها قانون اساسی و سپس، اسناد ملی متعددی از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سایر اسناد موسوم به سیاست‌های کلی است که توسط رهبر انقلاب با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و ابلاغ شده است.

۱-۲. قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بخش مقدمه، اصول سوم (ایجاد رفاه و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه) و چهل و سوم (۱- تأمین نیازهای اساسی: خوراک، ... بهداشت، ... منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، ...^۹ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند) به مقوله غذا و تغذیه و بخشی از زیرساخت‌های تحقق امنیت غذایی توجه و اشاره کرده است. برخی حقوق‌دانان داخلی از این تدابیر به عنوان تدابیر حمایت‌کننده از حقوق انسانی و تضمین‌کننده امنیت جانی یاد کرده‌اند.^۲ همچنین در زمره الزامات تحقق این فرع از امنیت، اصل بیست و نهم قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی (چندلایه) اعم از حوزه‌های درمانی و حمایتی و خدماتی را حقی همگانی اعلام نموده که دولت موظف به تأمین آن است.

۲-۲. سند چشم‌انداز و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

ایران در سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴ شمسی برخوردار از امنیت غذایی معرفی شده^۳ و در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی^۴ نیز بر تأمین امنیت غذایی، درمان، ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید، مدیریت و اصلاح

1. Food Policy

۲. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۲.
۳. «ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی ... برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب است.»
۴. بندهای هفتم و هشتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

الگوی مصرف و غیره به عنوان نخستین اقدام برای دستیابی به امنیت غذایی مانند برخی کشورهای دنیا تأکید شده است. الزامات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که امنیت غذایی بر آنها بنا شده نیز در این اسناد مورد توجه قرار گرفته است.^۱

۲-۳. سیاست‌های کلی بخش کشاورزی

در برخی مطالعات صورت گرفته راجع به سنجش سطح امنیت غذایی در دنیا، کشورهایی در رده بالاتر از میانه و بالا سنجش و طبقه‌بندی شده‌اند^۲ که به استحصال غذا از منابع داخلی به‌ویژه کشاورزی برای تضمین موجود و کافی بودن غذا، دسترسی و پایداری در مقایسه با اتکای تأمین غذا بر خرید و واردات آن از سایر کشورها یا بازارهای جهانی - به دلیل امکان کنترل مضاعف، حصول خودکفایی در محصولات استراتژیک و نیل به استقلال غذایی و کاهش مخاطره‌های ناشی از عدم امکان تأمین کوتاه یا بلندمدت تمام یا بخشی از مواد غذایی ضروری در مقاطعی از زمان با قیمت مناسب و غیره - اتکا کرده‌اند. بنابراین توسعه کشاورزی داخلی، جدی‌ترین انتخاب برای تأمین غذای کافی است. همچنین بهره‌وری کشاورزی به منظور ارتقاء میزان تولید مواد غذایی با استفاده متعادل از منابع طبیعی، دخالت فناوری‌های نو مبتنی بر تحقیق و توسعه، تعامل چندجانبه با کشورها همگام با پیشرفت‌های روز دنیا از جمله یافته‌ها جهت ارتقای سطح امنیت غذایی است.

سند بالادستی ملی با عنوان سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی با رویکردی مشابه تدوین شده و به‌درستی بر توسعه پایدار کشاورزی با حفاظت از منابع طبیعی پایه و صیانت و توانمندسازی منابع انسانی تکیه نموده و «تأمین امنیت غذایی را با تکیه بر تولید از منابع داخلی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی، ارتقاء سطح سلامت مواد غذایی تا استاندارد جهانی، اصلاح و بهینه نمودن الگوی مصرف و حمایت مؤثر از تولید و صادرات محصولات دارای مزیت» ممکن دانسته است.

۱. ر.ک: سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ابلاغی رهبر انقلاب، «... مانند به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت اقتصادی ... و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط (بند یک)، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان (بند دو)، محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد ... (بند سه)، اجرای هدفمند یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری ... ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی (بند چهار)، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها ... (بند پنجم)، افزایش تولید ... ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص (بند ششم)، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی (بند نهم)، توسعه ... گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان (بند دوازدهم)، شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمد کردن شیوه‌های نظارت بر بازار (بند بیست و سوم)» و غیره.

2. Bingxin, Yu; Lingzhi, You, "A typology of food security in developing countries", China Agricultural Economic Review, Vol. 5, Iss. 1, 2013, pp. 118-153.

۴-۲. سیاست‌های کلی محیط زیست

مقوله محیط زیست و مدیریت بهره‌برداری از آن برای تأمین غذای حال و آینده با امنیت غذایی پیوندی ناگسستنی دارد. تجربه اجرای سیاست‌های امنیت غذایی در کشورهایی مانند چین، پس از سه دهه تلاش ثابت کرده که تحقق پایدار این امنیت، نیازمند مدیریت منابع طبیعی و زیست محیطی است.^۱ در غیر این صورت با حصول امنیت غذایی مقطعی، پایداری امنیت غذایی تهدید شده و در آینده منتهی به ناامنی غذایی دوره‌ای خواهد شد. از این رو سند سیاست‌های کلی محیط زیست تحولات روز دنیا در این حوزه مانند اقتصاد سبز را با فرهنگ و شرایط بومی کشور در هم آمیخته است.

اهم سیاست‌های کلی موضوع سند یادشده شامل استفاده عادلانه برای امکان تداوم بهره‌برداری از محیط زیست در نسل‌های آتی (با تعبیر رعایت عدالت و حقوق بین نسلی)، اعمال محدودیت قانونمند در بهره‌برداری از منابع متناسب با توان اکولوژیک (ظرفیت قابل تحمل و توان بازسازی) آنها بر اساس شاخص‌های پایداری، گسترش اقتصاد سبز^۲ و تدوین منشور اخلاق محیط زیست و ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق زیست محیطی مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای سازنده ایرانی اسلامی، گسترش سطح آگاهی، دانش و بینش زیست محیطی جامعه، تقویت فرهنگ و معارف دینی مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و غیره است که با مؤلفه‌ها و زیرساخت‌های امنیت غذایی تعامل مستقیم و غیر مستقیم دارد.

۵-۲. سیاست‌های کلی و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

سیاست‌های کلی و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله سوم تا ششم توسعه کشور از اواخر دهه هفتاد شمسی، متعاقب شناسایی، تعریف و تأکید بر امنیت غذایی، مسیری را پیگیری کرده‌اند که از توجه و حمایت غیرمستقیم و مستقیم مقنن به ابعاد و ارکان امنیت غذایی حکایت دارد. اهم برنامه‌های مقرر در این قوانین در فراهم ساختن زیرساخت‌های تأمین امنیت غذایی، نقش ایجابی و در نفی فرصت‌های مجرمانه و ناامنی غذایی نقش سلبی ایفا می‌کرد. از منظر مفهوم مضیق پیشگیری، به نظر می‌رسد برخی برنامه‌های مقرر، به اقدامات پیشگیری وضعی^۳ و حذف یا تعدیل‌کننده موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای ارتکاب کژروی یا رفتارهای مجرمانه نزدیک هستند. امید است با

1. Zhangyue Zhou, op. cit., pp. 265-266.

2. Green Economy, for more information See: Fulai, Sheng; et al, Uncovering Pathways towards an Inclusive Green Economy (A summary for Leaders), UNEP, 2015.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صفاری، علی؛ صابری، راضیه، «ضوابط حقوقی - جرم شناختی پیشگیری وضعی

از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۸، پاییز- زمستان ۱۳۹۳، صص. ۱۸۰-۱۴۵.

اجرای آنها و ارتقاء سطح شاخص‌های ارزیابی امنیت غذایی، جایگاه فعلی امنیت غذایی ایران در دنیا ارتقاء یابد.

سیاست مقنن در قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹) تعریف رسالت‌های جدید آموزشی - فرهنگی به منظور تکمیل و تداوم برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه قبلی و جدید در زنجیره تأمین غذا و عوامل فعال در تحقق امنیت غذایی، برجسته کردن برخی زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی، سلامت، فرهنگی و آموزشی، ایجاد نظام اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف و ارتقاء سواد تغذیه‌ای مردم، نظارت‌های ایمنی - بهداشتی بر واردات و صادرات و سایر الزامات امنیت غذایی بود. در سرفصل سیاسی - امنیتی این قانون (مواد ۲۰۳ تا ۲۰۹) نیز مقابله با بیوتروریسم (تروریسم زیستی)، پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان یافته ضدامنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدهای نرم امنیتی با قید مشارکتی کردن، تقویت و تحکیم امنیت پایدار به وزارت اطلاعات تکلیف شده بود.

به رغم سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه پنجم توسعه^۱ در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور به امنیت غذایی مستقیماً اشاره نشده و از این رو شایسته نقد است، هر چند در سرفصل اجتماعی آن، به فرهنگ‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی سلامت و سیاست‌های کلی جمعیت ارجاع شده که هر دو به امنیت غذایی و الزامات آن توجه دارند. با این حال در جریان تصویب لایحه قانون برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۱ قانون مذکور (مصوب اسفند ۱۳۹۵) در بخش هفتم با عنوان کشاورزی به موضوع امنیت غذایی اختصاص یافت. مقنن ایرانی به منظور حصول اهداف بند ششم و هفتم سیاست کلی اقتصاد مقاومتی به منظور تأمین امنیت غذایی و نیل به خودکفایی ۹۵ درصدی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبی در پایان اجرای برنامه ششم و تحقق تراز تجاری مثبت، تقویت و تکمیل زنجیره‌های تولید و توسعه صادرات و ارتقای بهره‌وری آب و خاک که همگی در تحقق امنیت غذایی پایدار نقش اساسی دارند، سیزده عنوان اقدام را به دولت تکلیف نمود. در ادامه، اهداف و شاخص‌های کمی در حوزه‌های مختلف راهبرد امنیت غذایی به صورت سالانه در طول پنج‌ساله برنامه ششم و مقایسه با آخرین وضعیت اهداف کمی در پایان سال ۱۳۹۳ شمسی به منظور تحقق امنیت غذایی، سلامت و غنی‌سازی محصولات کشاورزی و توسعه صنایع کشاورزی در زنجیره‌های عرضه هدف‌گذاری شد.

موضوع محصولات تراریخته که بحث پیرامون آن در زمان طرح لایحه در مجلس (نیمه دوم سال ۱۳۹۵) در جامعه و رسانه‌ها بالا گرفته و موافقان و مخالفان جدی پیدا

۱. بند ۱۹ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

کرده بود، با رویکرد ممنوعیت رهاسازی، تولید، واردات و مصرف در چارچوب قانون ایمنی زیستی ج.ا.ایران (مصوب ۱۳۸۸) و رعایت مقررات ملی و بین‌المللی تقنین گردید. در این خصوص، دولت ضمن انجام آزمایش‌های مواد غذایی و فرآورده‌های غذایی وارداتی، موظف به اطلاع‌رسانی این محصولات و خطرهای احتمالی آن به مردم شد.

همچنین برخی تکالیف قوانین برنامه پیشین در قانون برنامه ششم تکرار شد. این تکالیف عبارتند از اعلام فهرست مواد و فرآورده‌های غذایی سالم، ایمن و سبب غذایی مطلوب برای گروه‌های سنی مختلف در سال اول برنامه و تعیین حد مجاز سموم باقیمانده در مواد و فرآورده‌های غذایی توسط وزارت بهداشت با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و ممنوعیت عرضه محصولات که به صورت غیر مجاز از سموم و کودهای شیمیایی استفاده کرده‌اند (بند ت ماده ۷۲).

در حوزه توسعه و ترویج اقتصاد کشاورزی و ارتقای سهم کشاورزی در اقتصاد، نیز برنامه‌های آموزشی، حمایتی، اقتصادی و توسعه‌ای مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی منظور شده است (بندهای الف تا ر ماده ۳۳).

در حوزه سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی امنیت غذایی در برنامه ششم توسعه، تأمین سلامت مادر و کودک و ارتقای شاخص نسبت مرگ مادر و نوزادان (ماده ۷۶)، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بالاخص توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (بند ت ماده ۸۰)، تأمین تسهیلات اشتغال برای مددجویان کمیته امداد و بهزیستی (بخش ب ماده ۸۰) و پرداخت مستمری خانوارهای ایشان متناسب با سطح محرومیت بر مبنای ۲۰ درصد کمترین دستمزد مصوب شورای عالی کار علاوه بر یارانه (ماده ۷۹)، بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و ترویج مهاجرت معکوس ... و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی، استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه (بخش پ و چ ماده ۸۰) مشهود است.

۲-۶. قوانین عادی

در نظام تقنینی ایران علاوه بر سیاست‌گذاری‌های عمومی و کلان یادشده و بعضاً قبل از آنها، قوانین عادی متعدد غیر کیفری در خصوص غذا، تغذیه، ایمنی و بهداشت مواد غذایی و غیره تصویب شده است که سیاهه مفصل و با قدمتی دارد.^۱ قوانین مذکور

۱. شامل قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۲۸۶ (تعیین وظیفه حاکم برای مراقبت برای عدم احتکار گندم به عنوان کالای اساسی و سایر ارزاق و خرید و فروش آزادانه و به قیمت عادلانه در تمام شهر)، قانون تفتیش صحت حیوانات (۱۳۱۴)، قانون سازمان وزارت بهداشت (۱۳۲۴)، قانون اجازه الحاق دولت ایران به سازمان بهداشت جهانی (۱۳۲۷)، قانون اجازه تأسیس مؤسسه خواربار و تغذیه ایران (۱۳۴۳)، قانون شکار و صید (۱۳۴۶) با اصلاحات ۱۳۵۳، ۱۳۵۸ و ۱۳۷۵، اساسنامه سازمان گوشت کشور (۱۳۴۷)، قانون

که بخشی از آن پیش از پیدایش عنوان و مفهوم نوین امنیت غذایی و گاهی بدون اشراف بر آن تصویب شده است، امروزه مبین تکالیف قانونی نهادها و سازمان‌های ذیربط در تحقق امنیت غذایی از طریق برنامه‌ریزی، پشتیبانی، حمایت، پیشگیری و نهایتاً نظارت و پایش ارکان امنیت غذایی نزد فعالان زنجیره تأمین غذا است. همچنین مقررکننده سیاست‌های دولتی مستقیم یا غیر مستقیم مؤثر بر امنیت غذایی مانند وضع برخی تدابیر اقتصادی از جمله برقراری یا حذف معافیت مالیاتی یا افزایش یا کاهش عوارض، افزایش یا تثبیت قیمت یا سیاست‌های تبلیغاتی راجع به برخی مواد غذایی خاص مانند نوشابه و مواد لبنی نیز هست.^۱

پس از تبیین اجمالی رویکرد، جلوه‌ها و منابع سیاست‌گذاری عمومی در خصوص امنیت غذایی به عنوان پدیده اجتماعی، نوبت به واکاوی بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی به عنوان پدیده جنایی می‌رسد.

۳. تهدیدهای امنیت غذایی و ضرورت پاسخ‌گذاری

به تناسب اهمیت رفتارهای دور از هنجارهای جامعه‌ی - حقوقی امنیت غذایی، ویژگی‌ها، گستره و شدت مخاطره‌های بالقوه یا بالفعل، آثار، نتایج و آسیب‌های ناشی از آنها و ماهیت نظام‌های سیاسی - اجتماعی از منظر رویکردهای متفاوت مقابله با آنها،

راجع به وظائف و اختیارات استانداران (۱۳۳۹)، قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۳۵۴)، قانون بیمه محصولات کشاورزی (مصوب ۱۳۵۵ و ۱۳۶۲ با اصلاحات ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷)، قانون تشکیل وزارت بهداشت (۱۳۶۴) و قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۶۷)، قانون تشکیل انستیتوی علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران (۱۳۵۵) و قانون اساسنامه انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور (۱۳۷۰)، قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی (۱۳۷۴)، قوانین اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (۱۳۷۱ و ۱۳۷۶)، قانون اجازه الحاق دولت ج.ا.ایران به کنوانسیون حقوق کودک (۱۳۷۲)، قانون سازمان دامپزشکی کشور و قانون تأسیس سازمان نظام دامپزشکی کشور (۱۳۷۶)، قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۹)، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳)، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (۱۳۸۸)، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۸۹)، قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی و کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۸۰)، قانون نظام جامع دامپروری کشور (۱۳۸۸).

۱. به عنوان نمونه ر.ک: سیاست اقتصادی اخذ عوارض از انواع چربی‌های وارداتی دارای اسیدهای چرب اشباع و غیراشباع بیش از حد مجاز و نوشابه‌های گازدار مصرفی و صرف منابع مالی حاصل از آن جهت افزایش سرانه شیر در بند ح ماده ۳۱ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه ج.ا.ایران (مصوب اسفند ۱۳۹۵) و قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، بند الف ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی (موسوم به قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱)، تصویب نامه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ هیأت وزیران در خصوص نحوه تبلیغات محصولات غذایی و خودداری از توزیع نوشابه‌های گازدار در غذاخوری‌ها و غیره، بند ق از تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۶، ماده یک قانون اجازه وصول مالیات غیر مستقیم از برخی کالاها و خدمات مصوب ۱۳۷۴.

اقتضا دارد بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری حقوقی صورت گرفته به عنوان واکنش جامعه در برابر مرتکب متفاوت است. همچنین بزه‌انگاری و انتخاب نوع و نحوه پاسخ‌گذاری به دلیل حساسیت و تأثیر مستقیم رفتارهای مخاطره‌آمیز و آثار نوعاً فوری بر سلامت و بهداشت و امنیت آحاد جامعه و گستردگی کنشگران متعدد زنجیره تأمین غذا اعم از تولید، توزیع، مصرف‌کنندگان، شایان توجه است. بنابراین شناخت رویکرد و مشخصه‌های بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری مدنی و کیفری در بستر سیاست‌جنایی اهمیت وافری دارد.

بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری مدنی سیاست‌جنایی که موضوع بحث این مقاله نیست، نوعاً بر مسئولیت مدنی و جبران انواع خسارت وارد بر زیان‌دیده و اعاده وضعیت وی به پیش از بروز رفتار زیان‌بار، همچنین نقش‌آفرینی نهادهای دادرسی مدنی برای توقف استمرار یا تشدید زیان متمرکز شده و در برخی کشورها با وضع خسارت تنبیهی^۱ به ساحت پاسخ‌اداری - کیفری نیز وارد شده است. به نظر می‌رسد سیاست‌های جنایی دولتی ملامت از پاسخ‌گذاری کیفری در اثر حاکمیت اصل مداخله کمینه کیفر^۲ به دلیل ملاحظات عدیده مربوط به آن و هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بالای ناشی از بکارگیری حقوق کیفری، محکوم به تعدیل و محدودیت جرم‌انگاری‌های بجا، به اندازه و کیفرهای مؤثر، کارآ و متناسب هستند. بنابراین به نظر می‌رسد همچنان اولویت با پرهیز از جرم‌انگاری متورم، تمرکز بر بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری غیرکیفری و اتخاذ رویکرد عدالت ترمیمی در برابر رفتارهای مخاطره‌آمیز خفیف، اتفاقی و غیر حرفه‌ای ناقض امنیت غذایی است.

در ادامه جلوه‌های بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری ملی در برابر بزه‌های ناقض امنیت غذایی در بستر سیاست جنایی ملی تبیین می‌شود.

۱-۳. بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری ملی

سیاست جنایی مطابق تعریف استاد می‌ری دلماس - مارتی، مجموعه روش‌هایی است که هیأت اجتماع با توسل به آنها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد.^۳ همچنین برخی جرم‌شناسان ایرانی^۴ دانش سیاست جنایی را «مطالعه

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص خسارت تنبیهی ر.ک: داراب‌پور، مهرباب؛ سلطانی احمدآباد، سعید، «فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۲، ۱۳۹۴، صص ۹۰-۶۱.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص اصل مداخله حداقلی کیفر و حقوق کیفری ر.ک: نوبهار، رحیم، «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۴-۹۱.

۳. دلماس - مارتی، می‌ری، منبع پیشین، صص ۶۸ و ۱۰۳.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره اصطلاح سیاست‌جنایی، پیش‌گفتار مترجم در: لازرژ، کریستین، منبع پیشین، صص ۳۴.

اقدام‌ها و تدبیرهای متنوع قابل اعمال توسط دولت و جامعه مدنی اختصاصاً برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم و غیر مستقیم بزهکاری به عنوان پاسخ‌هایی به وضعیت‌های پیش‌جنایی یا ماقبل بزهکاری، جرایم ارتكابی و نیز ترمیم آثار زیان‌بار بزه از جمله پیشگیری از تکرار جرم در قالب آیین‌ها و روش‌های مختلف» تعریف نموده و پدیده جنایی را اعم از تخلف، کژروی، ناهنجاری و بزه کیفری (جرم) دانسته‌اند. بنابراین پدیده جنایی از دل پدیده اجتماعی بیرون می‌آید و سیاست جنایی از درون سیاست عمومی.

همچنین شناسایی امنیت غذایی به عنوان هنجار اجتماعی - حقوقی در سطوح فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی و عزم حاکمیت برای سیاست‌گذاری عمومی وسیع و همه‌جانبه، منتهی به تدوین و اجرای برنامه‌های ضروری جهت تحقق و تأمین توأم با ثبات آن با مشارکت نسبی برخی نهادهای جامعه‌ی و غیر دولتی شده است. ایجاد مخاطره یا تهدید در تحقق ارکان اصلی امنیت غذایی (موجود بودن، دسترسی، قابلیت مصرف و ثبات) و آثار و نتایج مخاطره در حوزه ایمنی غذایی، خلل در سلامت و بهداشت غذا، محروم یا محدود کردن دسترسی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آحاد جامعه به غذای کافی و سالم (پاک) و غیره، خطوط قرمز و ساحت‌های مورد حمایتی است که از منظر حاکمیت و جامعه، تخطی یا تجاوز به آن سزاوار سرزنش شده و بطور کلی محدوده بزه‌انگاری (صنفی، اداری، انضباطی و مدنی) بالآخر بزه‌انگاری کیفری (جرم‌انگاری) را مشخص می‌کند و با وضع و اعمال پاسخ‌های کیفری در حوزه تقنین، پاسخ‌گذاری و در عرصه دادرسی و اجرا، پاسخ‌دهی می‌شود.

بی‌تردید برقراری امنیت غذایی با مداخله حقوق کیفری هم در جریان استقرار و هم در مرحله پایدارسازی آن در جامعه، نیازمند وضع و اجرای پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی متناسب است. مخاطره‌های فزاینده، محسوس و آثار فوری و ملموس نقض امنیت غذایی در جامعه و تبعات ناشی از احساس ناامنی در جامعه و مردم، ایجاب می‌کند که برخی مخاطره‌های مهم، اخلال یا نقض عامدانه و بعضاً غیرعامدانه ناشی از تقصیرهای جزایی عمده (شامل سهل‌انگاری، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات مهم و غیره) توسط دست‌اندرکاران زنجیره تأمین غذا، با بزه‌انگاری و وضع ضمانت اجراهای کیفری پاسخ‌گذاری شود. از این رو ضرورت سیاست‌گذاری جنایی همه‌جانبه و در صورت لزوم، ورود و مداخله مؤثر حقوق کیفری به عنوان ابزار حاکمیتی برای تحقق امنیت غذایی پایدار غیر قابل انکار است. ضمناً هرچند سیاست جنایی در مقابله با پدیده جنایی مطابق تقسیم‌بندی رایج نویسندگان به پاسخ‌های اجتماعی یا غیر حقوقی (شامل تدابیر اجتماعی، ارشادی، فنی، پیشگیرانه و حمایتی) و پاسخ‌های حقوقی (غالباً

شامل پاسخ‌های مدنی و کیفری) تفکیک می‌شود، اما با توجه به سؤال پژوهش و محدودیت حجم مقاله، صرفاً بر بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری‌های کیفری ملی در قبال پدیده جنایی نقض امنیت غذایی تمرکز و بسنده شده است.

از این رو در ادامه به شناسایی جلوه‌های عمده بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در قبال رفتارهای ناقض امنیت غذایی در نظام تقنینی ایران پرداخته می‌شود. همچنین از آنجا که امنیت غذایی دارای چهار رکن اصلی موجود بودن، دسترسی، مصرف و ثبات است، بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری‌های کیفری در این قسمت ابتدا در قبال ارکان و مؤلفه‌های اصلی و سپس در خصوص سایر مؤلفه‌های امنیت غذایی بررسی می‌شود.

۱-۱-۳. جلوه‌های بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در قبال نقض مؤلفه‌های

اصلی امنیت غذایی

توجه به مقوله امنیت غذایی در سیاست‌جنایی تقنینی ایران قبل از انقلاب اسلامی - بدون اشراف بر مفهوم نوین آن - در دهه‌های سی تا چهل شمسی، ریشه در تصویب قوانینی از جمله قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارو و مواد خوراکی و آشامیدنی (مصوب ۱۳۳۴ شمسی) و قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی (مصوب ۱۳۴۶) و قانون اصلاح موادی از همین قانون (مصوب ۱۳۵۳) دارد. قوانینی که در نوع و زمان خود، حکایت از توجه، دقت نظر و اقدام پیش‌تازانه مقنن ایرانی به موضوع داشته و حاوی ابتکاراتی بوده است. در قوانین مذکور رفتارهای ناقض امنیت غذایی با تمرکز مقنن بر بخشی از مؤلفه‌های امنیت غذایی به‌ویژه رکن قابلیت مصرف و بالاخص سلامت (ایمنی) غذا (عاری بودن از فساد و آلودگی‌های طبیعی و غیر طبیعی) از سوی مرتکبان بالقوه (تولید، تأمین، عرضه یا فرآوری‌کنندگان خاطی) جرم‌انگاری شده است.

در این برهه سیاست‌گذاری جنایی دولتی، مقنن ایرانی با تلقی وصف عمومی برای جرایم موضوع مقررات یادشده با قابلیت تعقیب بدون شکایت شاکی خصوصی و طبقه‌بندی این جرایم در زمره جنایت یا جنحه (حسب مورد) با جرم‌انگاری به شیوه جرایم مقید (به نتیجه) با تأکید بر آثار عینی و محسوس آن یعنی شدت و ضعف بیماری‌ها، آسیب‌ها و صدمات بالفعل ناشی از هر گونه تقلب و آلودگی در مواد خوراکی و آشامیدنی و توجه به قابلیت و فوریت معالجه یا عدم فوریت آن، مرتکبان آنها را مستحق کیفرهای اصلی دانسته و با به کارگیری طیف وسیع ضمانت‌اجراهای کیفری سرکوب‌گر اعم از اعدام و حبس‌های مؤبد تا حبس‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت و تأدیه غرامت و کیفرهای تکمیلی و تبعی و اقدامات تأمینی در صدد پاسخ‌گذاری بر آمده است.

بزه‌انگاری رقابت‌های مکارانه در حوزه مواد خوردنی و آشامیدنی، شروع به برخی جرایم غذایی (هر چند منسوخ در اصلاحات سال ۱۳۴۷)، تفکیک جرایم غیر عمدی و

ناشی از بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت، بزه‌انگاری جرایم وابسته و توجه به جرایم مقدمه (زنجیره تأمین غذایی) از جمله آلودگی‌های احتمالی ظروف بسته‌بندی، مواد اولیه و افزودنی‌های غیر مجاز و پیش‌بینی مسئولیت کیفری مدیر یا صاحب مؤسسه یا کارگاه (ناشی از عدم نظارت) در کنار برخی اقدامات وضعی و پیشگیرانه از جمله ابتکارها و نقاط قوت قوانینی است که قدمت آنها به حدود نیم قرن رسیده و با تغییرات اندکی، همچنان لازم‌الاجرا است.

اصلاح ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی در سال ۱۳۴۷ و متعاقباً اصلاحات مصوب ۱۳۵۳، رویکرد بزه‌انگاری جرایم مقید و منحصر بر شدت و ضعف آثار و نتایج جرایم غذایی را به سوی جرایم مطلق در برخی حالت‌ها توسعه داد و تمایل به رویکرد امنیت‌محور و ریسک‌مدار را آشکار کرد. مثلاً هنگامی که صرف ارتکاب اعمال و تقلب‌های مذکور در ماده یک قانون یادشده در بستر تولید و عرضه مواد غذایی، ولو اینکه مصرف آنها موجب بیماری یا آسیب نشود، نیز مستوجب کیفر قلمداد شد. یا در موردی که حتی محصولات ساخته شده یا مخلوط شده و تقلبی به دست مصرف‌کننده نرسیده باشد، هم مرتکب مستوجب حبس شناخته شد.

تبعاً قوانین ملی یادشده - به رغم همه نقاط قوت و نوآوری‌های قابل تحسین آن - که تمرکز آنها بر بخش‌هایی از ارکان امنیت غذایی یعنی قابلیت مصرف در حوزه ایمنی و بهداشت مواد غذایی است، با تکمیل و توسعه مفهوم امنیت غذایی در دنیا و شناسایی سطوح چهارگانه فردی، خانگی، ملی و بین‌المللی و تبیین ارکان و عناصر آن و بروز چالش‌های نو، پاسخگوی نیاز روز کشور نیست. به تعبیر دیگر امروزه، تهدید یا نقض امنیت غذایی صرفاً متوجه رکن مصرف با تأکید بر ایمنی و بهداشت مواد غذایی نیست، تا سیاست‌گذاری در خصوص آن، موجب تضمین همه‌جانبه امنیت غذایی شود. بنابراین بخش دیگری از سیاست‌گذاری جنایی ایران در این حوزه با توجه به سایر مؤلفه‌ها و ارکان امنیت غذایی بالاخص رکن دسترسی به مواد غذایی با بزه‌انگاری رفتارهایی مانند احتکار، گران‌فروشی، اخلال در عرضه و غیره حسب ادوار مختلف قانون‌گذاری در قالب جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی صورت گرفت که مصداق رویکردهای پیش‌روی و پس‌روی سیاست جنایی و شامل فهرست غیرمنسجم و بلندبالایی از قوانین خاص است.

از جمله این پیش‌روی و پس‌روی‌های سیاست جنایی ایران، جرم‌زدایی بخشی از رفتارهای موسوم به احتکار، گران‌فروشی، کم‌فروشی و تقلب و امثال آن^۱ در قانون‌گذاری

۱. لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی - مصوب بهمن ۱۳۵۱ بسیاری از رفتارهای فوق‌الذکر را جرم‌انگاری نموده بود که مطابق قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷ ابتدا صرفاً در تخلفات بخش دولتی، بدون تشکیل شبکه و بدون قصد اخلال به نظام اقتصادی جرم‌زدایی صورت گرفت.

بعد از انقلاب اسلامی است. هر چند ضمانت اجراهای کیفری انتخاب شده در مقررات یادشده در حمایت از رکن دسترسی امنیت غذایی، نوعاً از جنس کیفر نقدی و حبس یا ترکیب این دو و برخی پاسخ‌های اداری مانند ضبط یا الزام به فروش کالای احتکار شده و در صورت تکرار جرم، محرومیت از شغل بصورت موقت یا لغو پروانه و تعطیل واحد صنفی به عنوان تشدید کیفر بوده است. ضمن اینکه کیفر مربوط به تکرار جرم نوبت سوم صدور دارو و خواربار و اقسام دام و بطور کلی کالاهای مورد نیاز کشور، حبس ابد یا اعدام و در نوبت دوم تا ده سال حبس همراه با کیفر نقدی معادل پنج برابر قیمت مال صادر شده بوده است.^۱ توسعه و تشدید مجازات‌های محدودکننده آزادی و مجازات‌های مالی و اضافه شدن کیفر بدنی (شلاق)^۲ نیز محصول تقنین بعد از انقلاب اسلامی و اوضاع و احوال خاص جنگ تحمیلی و پیشروی سیاست جنایی سرکوب‌گر با تکیه بر سیاست حمایتی^۳ به نظر می‌رسد.

علاوه بر بزه‌انگاری صنفی و اداری رفتارهایی از جنس احتکار و گران‌فروشی توسط اصناف در سطح خرد و پاسخ‌گذاری صنفی - انضباطی برای آنها از طریق رسیدگی مراجع اداری (بالاخص سازمان تعزیرات حکومتی) که بحث مستقلی را می‌طلبد، مصادیقی از این رفتارها در سطح عمده به طوری که موجب اخلال در توزیع نیازمندی‌های عمومی و ارزاق شود و به منظور ایجاد انحصار یا کمبود آنها باشد، در طول حدود سه دهه گذشته توسط مقنن با یکی از شدیدترین عناوین مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) بزه‌انگاری کیفری شد. کیفر رفتارهای مزبور به قصد مقابله یا ضربه‌زدن به نظام یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله در حد افساد فی الارض، مستوجب اعدام و در غیر این صورت مستحق کیفر سالب‌آزادی حبس بلند مدت تا میان مدت، از حداکثر بیست تا حداقل پنج سال حبس و ضبط کلیه اموال حاصل شده از طرق خلاف قانون و مجازات بدنی شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه شناخته شد.

مصادیق اخلال غیرعمده و غیرکلان در نظام اقتصادی با شیوه‌های یادشده با حبس تعزیری درجه پنج (دو تا پنج سال) علاوه بر مجازات مالی ضبط اموال نامشروع حاصل شده کیفرگذاری شده است. ضابطه تشخیص عمده یا کلان یا فراوان بودن توسط قاضی، آثار و نتایج رفتار از حیث خسارات وارده و مبالغ مورد سوءاستفاده و به تعبیر مبهم مقنن، آثار فساد دیگر مترتب بر آن ذکر شده است.^۴ در این میان، توجه مقنن به مقوله شروع به جرایم علیه امنیت غذایی از دریچه اخلال در نظام اقتصادی کشور - که خود گویای ابعاد

۱. ماده ۶ قانون راجع به جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰.

۲. قانون تشدید مجازات محترکان و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷، مواد دو و پنج.

۳. ر.ک: دلماس مارتی، می‌ری، منبع پیشین، صص. ۳۹۷-۳۹۱.

۴. تبصره ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی.

اقتصادی و اجتماعی غیر قابل انکار امنیت غذایی است - و پیش‌بینی آن در حالات مختلف ناظر بر جرم اصلی، قابل تحسین است، زیرا نقض بالفعل امنیت غذایی و ایجاد ناامنی غذایی تبعات عدیده‌ای دارد که قدر مسلم، به آسانی و در کوتاه مدت قابل برگشت و بازسازی نیست. بنابراین رصد اقدامات مقدماتی و عملیات اجرایی بزه‌کاران و ممانعت از تکمیل عملیات مجرمانه، در چارچوب ضوابط شروع به جرم اهمیت ویژه‌ای دارد.

سابقه چنین رویکردهایی را می‌توان در تقنین مقررات اوایل پیروزی انقلاب اسلامی نیز مشاهده نمود. از جمله این مقررات، ماده ۱۰ لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب (مصوب ۱۳۵۸) بود که ارتکاب هرگونه عمل اقتصادی یا سیاسی یا فعل و انفعالات مالی یا تجاری توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی که موجب تعطیل تمام یا بخشی از تولیدات صنعتی یا کشاورزی یا کمیایی مواد اساسی و ضروری زندگی مردم می‌شد، را با عنوان مجرمانه مقدم علیه استقلال اقتصادی کشور، قابل تعقیب و پس از رسیدگی در دادگاه‌های فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب حسب درجات بزه، کیفر جنایی درجه یک (ظاهراً حبس از سه تا پانزده سال طبق ماده ۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲) و یا حبس ابد و مجازات تکمیلی اقامت اجباری نیز وفق تشخیص مرجع یادشده در انتظار مرتکب بود.

سیاست جنایی سرکوب‌گر کیفری در رفتارهای پرخطر حوزه امنیت غذایی - عملاً با تداوم میل به سیاست تسامح صفر^۱ - با جرم‌انگاری مجزای عنوان افساد فی‌الارض در دهه نود شمسی ادامه یافت. هنگامی که مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رفتارهای مخاطره‌آمیزی از جمله پخش گسترده مواد سمی، میکروبی و خطرناک را به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شود، با عنوان افساد فی‌الارض جرم‌انگاری نمود و مرتکبان آن را به مجازات سالب حیات اعدام بشارت داد. بزه‌ی که در حوزه امنیت غذایی و ارکان و مؤلفه‌های آن با پخش سموم و مواد میکروبی و خطرناک در آب و غذای مردم یا حتی تخریب یا احراق منابع و ذخایر غذایی یا با اخلال در نظام اقتصادی از طرق خلل در واردات، صادرات، کشاورزی و غیره، قابل تحقق و یادآور تروریسم زیست محیطی یا تروریسم غذایی یا کشاورزی است.

۲-۱-۳. جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری در برابر نقض سایر مؤلفه‌های امنیت غذایی

در راستای توجه به سایر ابعاد امنیت غذایی در سیاست جنایی ایران می‌توان به اولویت تغذیه‌ای در نوزادان و کودکان در قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از

1. See: Wilson, Norbert; Worosz, Michelle, "Zero tolerance rules in food safety and quality", Food Policy, Volume 45, 2014, pp. 112-115.

مادران در دوران شیردهی (مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات ۱۳۸۰ و ۱۳۸۶) اشاره کرد. به موجب این قانون، کمیته کشوری سیاست‌گذاری و نظارت بر ترویج تغذیه با شیر مادر در وزارت بهداشت و کمیته‌های استانی ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، تشکیل و سیاست‌ها و تدابیر مختلف حمایتی، ترویجی، شغلی، تبلیغی، تجاری برای تحقق این مهم را پیگیری نموده و تخلف از مفاد قانون با کیفرهای موضوع ماده ۹ پاسخ‌گذاری شده است. همچنین در خصوص تضمین نقض رعایت اوصاف کمی و کیفی محصولات غذایی، ارائه اطلاعات ضروری محصول (شامل آگاهی‌های قبل از مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف)، نمایش یا ارائه اطلاعات نمونه محصول، اعلام قیمت، ممانعت از تبانی یا تحمیل شرایط کاهنده عرضه یا کیفیت یا افزایش قیمت از سوی عرضه‌کننده، جلوگیری از فروش اجباری، تبلیغات خلاف واقع و ارائه اطلاعات نادرست موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده و غیره که موجب ورود خسارت به وی شود، به موجب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸) بزه‌انگاری‌های صنفی، انضباطی و کیفری صورت گرفته است. همچنان که اشتغال به داد و ستد عمومی در امور تولید، تجارت و ارائه خدمات با اوزان، مقیاس‌ها و وسایل سنجش و ارزیابی قلب یا غیرقانونی در ماده ۱۰ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (مصوب ۱۳۷۱) بزه‌انگاری کیفری شده و با کیفر سالب آزادی دو ماه تا دو سال و کیفر نقدی دویست هزار تا ده میلیون ریالی به همراه ضبط ابزار یادشده پاسخ‌گذاری شده است. تغییر مشخصات فرآورده‌های مشمول استاندارد اجباری پس از تهیه، تولید یا ساخت، یا استفاده از ظروف و وسایل بسته‌بندی مخصوص محصولات استاندارد برای عرضه و فروش فرآورده‌های خارج از استاندارد یا دخل و تصرف به قصد تقلب یا به هر کیفیتی در بسته‌بندی فرآورده‌های مشمول استاندارد اجباری یا تولید و عرضه اجناس با استاندارد غیر واقعی، یا به کار بردن نشان استاندارد بدون داشتن پروانه استاندارد بر روی محصولات، ضمن جرم‌انگاری به موجب ماده یازده همان قانون مشمول کیفر حبس شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از یک تا پنجاه میلیون ریال خواهد بود.

در ادامه شیوه مقنن در جرم‌انگاری با پاسخ‌گذاری مشدد برای جرایم مقید وفق مقررات دهه چهل و پنجاه شمسی، چنانچه رفتارهای مجرمانه مذکور منتهی به بیماری یا آسیب مصرف‌کننده شود؛ حسب امکان بهبودی و دوره معالجه، نقص عضو، با طبقه‌بندی خاصی ترکیبی از کیفر سالب آزادی حداقل شش ماهه تا ده ساله و جزای نقدی پانصد هزار ریالی تا پنج میلیون ریالی در انتظار مرتکبان خواهد بود. ارتکاب همین رفتارها که منتهی به مرگ مصرف‌کننده شود، مجازات تعزیری مرتکب را به موجب ماده دوازده این قانون، از حداقل سه تا حداکثر پانزده سال حبس همراه با جزای نقدی سه تا ده میلیون

ریالی افزایش خواهد داد. ضمن اینکه در صورت اقوی بودن سبب از مباشر، دیه نیز در انتظار مرتکب است. جبران خسارت مصرف‌کننده نیز پس از به دوش کشیدن بار اثبات ارکان دعوی خسارت و غلبه در آن با حکم مرجع قضایی به عهده مرتکب است. به‌روزرسانی کیفرهای نقدی مذکور بعد از گذشت بیش از دو دهه از تاریخ تصویب مقررات مورد بحث، ضروری است.

تبلیغ و اطلاع‌رسانی مواد غذایی تهدیدکننده سلامت (هر چند غیر خلاف واقع) نیز به حکم غیر معمول مقنن در بند ج ماده ۳۷ قانون برنامه پنجم توسعه، بزه‌انگاری شده و برای آن جریمه نقدی ده میلیون تا یک میلیارد ریالی وضع شده و تکرار آن مستوجب جریمه مضاعف بیست درصدی است.

در این خصوص به نظر می‌رسد انسجام بخشی، تنقیح و بروزرسانی مقررات پراکنده وضع شده در قوانین مختلف مصوب دهه‌های گذشته و جاری در این حوزه با رویکرد سیاست‌گذاری همه‌جانبه در برابر تعرض به ارکان اصلی و فرعی امنیت غذایی، پسندیده است. ضمن اینکه چالش امکان بزه‌انگاری رفتارهای مجرمانه بازیگران زنجیره تأمین غذا با مسئولیت مطلق (مادی صرف)^۱ یا حاوی فرض مسئولیت کیفری^۲ با عنایت به پیچیدگی‌های فنی و علمی، تقلب‌ها و آلودگی‌های غذایی و دشواری‌های اثبات و احراز آن، آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان بالقوه، همچنین ملاحظات مرتبط به نوع و ماهیت رفتارهای مجرمانه حوزه امنیت غذایی و تمایل برخی نظام‌های قانون‌گذاری خارجی^۳ بالاخص در پاره‌ای از جرایم علیه رفاه عمومی، محیط‌زیست، بهداشت و مصرف‌کننده و غیره، از یک سو با توجه به رویکرد مقنن در مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی (تقسیم‌بندی جرایم به عمدی و غیر عمدی) و موانع فقهی موضوع و شدت برخی کیفرهای وضع شده و از سوی دیگر با توجه به محیط کسب و کار، خصوصیات مصرف‌کننده و تولیدکننده ایرانی و توالی فاسد احتمالی آن و دیگر چالش‌های اجرای عدالت کیفری و انتقادهای وارد بر این نوع جرم‌انگاری^۴ با اهمیت تلقی می‌شود و نفی یا پذیرش آن، نیازمند پژوهش همه‌جانبه و بررسی مضاعف است.

۲-۳. مقابله با جرایم جهانی و تروریستی ناقض امنیت غذایی

پدیده جهانی‌شدن در دنیا و اغلب کشورهای، پیامدهای مختلف و گاه ناخواسته‌ای در برداشته است. از جمله این جلوه‌ها، پدیدار شدن جرایم جهانی‌شده یا فراملی است که

1. Strict Liability
2. Presumption of Liability

۳. ر.ک: میرمحمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، نشر جنگل، ۱۳۹۰، صص. ۲۱۹-۲۱۴.

۴. همان، صص. ۲۲۹-۲۲۲.

گونه‌ها و فراوانی آن، حسب تنوع نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آیینی متفاوت است و در هر حال تهدیدی فراملی برای امنیت کشورها به حساب می‌آید. سازمان‌یافتگی و چندملیتی‌شدن مرتکبان و بزه‌دیدگان آنها، تهیه ابزار یا مواد اولیه جرایم در کشورهای فقیر یا در حال توسعه و ارتکاب و مصرف آنها در کشورهای ثروتمند و صنعتی دنیا، نقش سازمان‌های مجرمانه مختلف در برنامه‌ریزی و ارتکاب آنها، تشکیل جرایم فراملی به صورت ذاتی از عناصر خارجی، ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای و فراملی کشورها و کنشگران عدالت قضایی از جمله خصوصیات جرایم جهانی شده برشمرده شده است. موضوعی که اعمال سیاست‌های جنایی و کیفری ملی را به تنهایی در خصوص این جرایم ناکارآمد نموده و منطقه‌ای یا جهانی کردن سیاست جنایی را ضروری کرده است.^۱

در سیاست جنایی جهانی، جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری جرایم جهانی شده نیازمند جرم‌انگاری‌های جهانی و فراملی، تقویت جایگاه و نقش مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی برای پاسخ‌گذاری‌های غیرحقوقی در مقابله با انحراف‌های فراملی و پاسخ‌گذاری‌های حقوقی فراملی از سوی جامعه جهانی در پرتو اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای ارشادی یا الزام‌آوری است که شأن هماهنگی، انسجام و نزدیک کردن سیاست‌جنایی ملی کشورها را دارند و نهایتاً منوط به طراحی و استقرار ساز و کارهای عدالت کیفری فراملی برای کشف، تعقیب و رسیدگی و نهایتاً کیفر بزهکاران این گونه جرایم است.

سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری در برابر بزه‌هایی که امروزه غالباً به صورت سازمان‌یافته یا حرفه‌ای و با ارتکاب جرایم تروریستی^۲ در اشکال جدید و پیچیده‌ای مانند تروریسم زیستی، تروریسم کشاورزی، تروریسم غذایی و حتی در سطح مخاصمات میان کشورها به صورت جنگ زیستی، نوعاً با اهداف و مقاصد و انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی پیدا و پنهان، مخاطره‌ها و تهدیدهای جدی را برای تحقق امنیت غذایی یا برای ایجاد ناامنی غذایی ایجاد می‌کند، روشن نیست. ضمن اینکه تعبیر پخش گسترده مواد سمی، میکروبی و خطرناک در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ذیل عنوان جزایی افساد فی‌الارض، مصادیق رفتارهای مجرمانه تروریسم زیستی را به ذهن متبادر می‌کند، هر چند مقنن عنایتی به استفاده از عنوان تروریسم و تعیین یا تصدیق ارکان آن نداشته و از ذکر آن به هر دلیل، پرهیز نموده و کماکان به رسم و عنوان سنتی - فقهی افساد فی‌الارض پایبند است. در همین خصوص، کمیسیون ویژه مرکب از دستگاه‌های اصلی ذی‌ربط برای تهیه و ارائه موارد نیازمند قانون در زمینه

۱. همان، صص. ۱۷-۱۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: کوشا، جعفر؛ نمامیان، پیمان، «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۸، شماره ۳، ۱۳۸۷، صص. ۲۵۶-۲۳۳.

بیوتروریسم به مجلس شورای اسلامی، تهیه و اجرای طرح جامع مبارزه با تروریسم زیستی (بیوتروریسم) و تعیین وظایف هر دستگاه به منظور مبارزه هماهنگ با تروریسم زیستی به عنوان یک اصل نهادینه شده تا پایان مدت برنامه پنجم توسعه، در تبصره ماده ۲۰۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه ج.ا.ایران (۱۳۸۹)، تکلیف اسناد بالادستی و مقدمه تدوین و استقرار سیاست جنایی تقنینی است.

گفتنی است در میان اسناد بین‌المللی تا کنون سند کیفری الزام‌آور یا حتی ارشادی و توصیه‌ای در خصوص سیاست‌گذاری جنایی راجع به امنیت غذایی و مبارزه با اشکال بزهکاری فراملی آن تصویب نشده است، اما اهداف موضوع سند موسوم به توسعه هزاره و مجموعه اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار سازمان ملل متحد موسوم به دگرگونی دنیای ما: برنامه توسعه پایدار (تا) سال ۲۰۳۰ میلادی به عنوان جدیدترین سند بین‌المللی غیرکیفری، مصوب هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد سپتامبر ۲۰۱۵ برای دوره پانزده ساله ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ میلادی به صورت مستقل به مقوله امنیت غذایی به عنوان هدفی خاص و مجزا و همچنین به علل، عوامل و زیرساخت‌های امنیت غذایی توجه نموده است. پیشگیری‌های عام و غیرکیفری با مشارکت نهادهای مدنی و حاکمیتی به ویژه در قالب هدف دوم این مجموعه با عنوان پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه، ترویج کشاورزی پایدار و اهداف جزئی ذیل آن و نیز اهداف ششم و دوازدهم از آنها به ترتیب با عناوین تضمین موجود بودن و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه و تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار تجلی یافته است. همچنین از اهداف جزئی ذکر شده ذیل هدف شانزدهم یعنی تأکید بر مبارزه با فساد، قاچاق، تروریسم و تمامی اشکال جرایم سازمان‌یافته، چنین استنباط می‌شود که مبارزه و سرکوب‌گری کیفری نیز بخشی از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ملل متحد برای حمایت از امنیت غذایی، تغذیه مناسب و کشاورزی پایدار (به عنوان اهداف توسعه پایدار) در جرایم سازمان‌یافته و گونه‌های تروریسم مرتبط (بالاخص بیوتروریسم، اگر تروریسم و تروریسم غذایی) و قاچاق است. هر چند تبیین چارچوب این سیاست جنایی در حوزه تروریسم غذایی فعلاً مبتنی بر اسناد بین‌المللی ضدتروریستی (به معنای عام) است^۱ و عنداللزوم تدوین سیاست جنایی افتراقی در حوزه امنیت غذایی با تأکید بر تروریسم غذایی در سطح ملی و بین‌المللی، نیازمند تدوین و تصویب اسناد فراملی و جهانی در منطقه و مشارکت نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در عین وفاق ملل متحد و هم‌سویی با اسناد بین‌المللی یادشده برای مقابله جهانی با مخاطره‌های این حوزه است.

۱. ر.ک: کوشا، جعفر؛ نمایان، پیمان، منبع پیشین، صص. ۲۴۳-۲۵۰.

نتیجه‌گیری

اسناد بین‌المللی مرتبط با حوزه امنیت غذایی بر شناسایی آن به عنوان ارزشی بنیادین و هدف‌گذاری برای حذف کلیه اشکال فقر و گرسنگی و تأمین امنیت غذایی در سطح جهانی و ملی و استقرار و تقویت ارکان اصلی امنیت غذایی (موجود بودن، دسترسی، قابلیت مصرف و پایداری و ثبات) تأکید دارند و به دنبال ایجاد یا تقویت زیرساخت‌ها، ساز و کارهای پیشگیرانه و حمایت‌های غیرحقوقی هستند.

نگارندگان در جستجو برای پاسخ به سؤال پژوهش به این مطلب دست یافتند که در ایران سیاست‌های کلان و برنامه‌های کلی تصویب و ابلاغ شده برای شکل‌گیری امنیت غذایی به عنوان هنجار حقوقی به طور کلی در راستای شناسایی و رعایت جلوه‌ها و آثار اجتماعی و حمایت از حقوق مادر امنیت غذایی مانند حق حیات، حق بر غذا، حق بر غذای کافی و رهایی از گرسنگی، حق زندگی با استانداردهای مناسب و غیره در اسناد بین‌المللی الزام‌آور و غیرالزام‌آور در سطح ملی است. همچنین رویکرد سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تمرکز بر ترسیم سیاست‌ها و راهبردها، تبیین و ترویج ارزش‌ها و ابعاد مختلف آنها و تقویت، تأمین و تجهیز ضرورت‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، کشاورزی، بیمه‌ای و وضع و اجرای ضوابط فنی شامل ممیزی، نظام کنترل کیفیت و بازرسی‌های تخصصی فعالان زنجیره تأمین غذا و پیشگیری‌های غیرکیفری است.

همچنین مطالعات نگارندگان مؤید آن است که اسناد بالادستی موسوم به سیاست‌های کلی و قوانین برنامه پنج‌ساله در ایران، کمتر به صراحت ترسیم‌کننده الگو و چارچوب سیاست جنایی مبتنی بر جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری است، اما تعیین حدود و صغور مداخله کیفری به نفع امنیت غذایی در هر جامعه‌ای و گستره جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی رفتارهای مخاطره‌آمیز، مستلزم تدوین سیاست جنایی دقیق با توجه به نوع و نگاه حاکمیت به مقوله امنیت اجتماعی و شناخت کامل از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شناسایی ارکان و الزامات تأمین و استقرار امنیت غذایی و اشراف و سنجش انواع مخاطره‌ها، تهدیدها و آسیب‌های ناشی از نقض مؤلفه‌های این گونه امنیت است.

نتیجه پژوهش نشان داد که سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه پاسخ‌های دولتی سرکوب‌گر ناقض امنیت غذایی، ابتدا با محوریت جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری در برابر رفتارهای مخل تضمین ایمنی و سلامتی غذا صورت گرفته و به تدریج ساحت آن به سایر ارکان اصلی امنیت غذایی از جمله موجودیت فیزیکی، دسترسی فیزیکی و جلوگیری از نقض پایداری و ثبات آن گسترش یافته است. هر چند حمایت از عدم نقض ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دسترسی غذایی یا مقابله با تهدید مؤلفه‌های دیگری از جمله

دانش تغذیه‌ای، تأمین اولویت‌های تغذیه‌ای و غیره به عنوان سایر ابعاد امنیت غذایی کمتر قابل مشاهده است. ضمن اینکه جرم‌انگاری‌های مربوطه و پاسخ‌گذاری کیفی برای حمایت از امنیت غذایی در چارچوب هدف‌گذاری برای نیل به سیاست‌جنایی همه‌جانبه صورت نگرفته و منتهی به ایجاد یک پوشش حقوقی برای حمایت کامل از همه ابعاد امنیت غذایی نشده است. بلکه غالباً الزامات ناشی از موقعیت‌های خاص مانند جنگ تحمیلی و شرایط بعد آن، مقنن را در قالب یک سیاست جنایی دولتی، ناگزیر از تصویب قوانین کیفی خاص کرده و سیاست جنایی ایران در این مسیر، راهبردهای پس‌روی و پیش‌روی از نوع جرم‌انگاری‌ها و جرم‌زدایی‌ها نیز اتخاذ کرده است.

در این راستا، مسئول شناختن دولت و نهادهای حاکمیتی و اشخاص ذی‌سمت و سایر اشخاص حقوقی شبه دولتی، عمومی و خصوصی دخیل در اجرا و نظارت بر تحقق امنیت غذایی و پیش‌بینی فرآیندهای ساده و سریع غیر قضایی برای جبران خسارات یا ضرر و زیان ناشی از جرایم یا تخلف‌های ایشان، ضروری و مورد پیشنهاد است. همچنین از آنجا که اتخاذ سیاست جنایی دولتی با پاسخ‌گذاری کیفی سرکوب‌گر با در نظر گرفتن اصل مداخله کمینه و محدود کیفی به عنوان آخرین حربه، می‌بایست با جرم‌انگاری‌های ضروری و پاسخ‌گذاری کیفی مؤثر و متناسب صورت پذیرد، اولویت و پیشنهاد، میل به بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری مدنی یا به‌کارگیری ساز و کارهای عدالت ترمیمی در برابر رفتارهای مخاطره‌آمیز غیر حرفه‌ای، غیر سازمان‌یافته و غیر تروریستی ناقض امنیت غذایی است. هر چند مقنن ایرانی به الگوی مداخله کیفی حداقلی وفادار نیست و زرادخانه کیفی وی، از دیرباز دایره تنبیه و سزادهی جرایم ناقض امنیت غذایی را تا کیفی‌های سالب حیات و محدودکننده آزادی بلند مدت گسترش داده‌اند. لذا درخصوص آن دسته از جلوه‌های جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری مبتنی بر سیاست تسامح صفر که در رفتار مقنن ایرانی در حوزه حمایت از امنیت غذایی مشهود است، با اعتقاد به محوریت اصل کاربرد کمینه حقوق کیفی، بازنگری، تعدیل و محدود کردن آنها به ساحت رفتارهای مجرمانه حرفه‌ای، خشونت‌آمیز، سازمان‌یافته و تروریستی، پیشنهاد دیگر نگارندگان است. البته ایجاد تهدید یا اخلال یا نقض امنیت غذایی با ارتکاب جرایم سازمان‌یافته و اقدامات تروریستی و جرایم مهم و جهانی‌شده، مستوجب اعمال پاسخ‌های سرکوب‌گر کیفی از جمله پاسخ‌های جهانی با تدوین و اجرای ساز و کار عدالت کیفی فراملی است.

در نهایت از آنجا که هسته مرکزی هر برنامه استراتژیک و هر برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی ملی یا بین‌المللی، تغذیه سالم است، هر گونه موفقیت در این زمینه منوط به ترغیب مردم و جامعه به شرکت در این امر مهم و کمک گرفتن از

بخش‌های گوناگون در سطوح مختلف با در نظر داشتن آثار بلند مدت آن است، از این رو فاصله گرفتن از مدل دولتی و متمرکز سیاست جنایی و جامعی و مشارکتی نمودن برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های این حوزه وفق اسناد بین‌المللی نوین توسعه پایدار، ضروری به نظر می‌رسد و در آینده‌ای نه چندان دور، نویدبخش یک سیاست جنایی افتراقی و منسجم است.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- اشتریان، کیومرث، سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.
- امیر، علی‌اصغر، چالش‌های شمال و جنوب در مواجهه با توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، با راهنمایی حسن مرادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران و سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- داراب‌پور، مهرباب؛ سلطانی احمدآباد، سعید، «فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۲، ۱۳۹۴.
- دل‌ماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۳.
- شاملو، باقر؛ پاک‌نیت، مصطفی، «افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتو پارادایم اثباتی و چالش‌های پیش‌روی آن در برخورد با رویکردهای نوین»، مطالعات حقوق تطبیقی، سال ششم، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- شهبازی، آرامش، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه، «ضوابط حقوقی - جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۸، پاییز - زمستان ۱۳۹۳.
- _____، «نقد عدم تحدید حق پیشگیری وضعی در پرتو قواعد فقهی و حقوقی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۲.
- قربانی قلجلو، مهدی؛ کوشا، جعفر، «سیاست جنایی ایران در قبال رفتارهای تهدیدکننده امنیت غذایی: واکاوی بزه‌انگاری و پاسخ‌گذاری اداری - انضباطی در زنجیره تأمین غذا»، فصلنامه علوم و صنایع غذایی ایران، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۴، شماره ۷۱، دی ماه ۱۳۹۶.
- کوشا، جعفر؛ نامیان، پیمان، «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۳۸، شماره ۳، ۱۳۸۷.

- لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
 - مجد، محمدقلی، قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.
 - ملک‌محمدی، حمیدرضا، مدرس و سیاست‌گذاری عمومی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
 - میرمحمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، نشر جنگل، ۱۳۹۰.
 - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، پیش‌گفتار مترجم در: لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۲.
 - _____، جهانی شدن بزهکاری، دیباچه در: ذاقلی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹.
 - _____، حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: فلچر، جورج. پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ سوم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۲.
 - _____، درباره سیاست جنایی افتراقی، دیباچه ویراست چهارم در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، مترجم علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
 - _____، سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیباچه در: دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
 - نوبهار، رحیم، «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰.
 - وحید، مجید، سیاست‌گذاری عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
 - هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
- Bingxin, Yu; Lingzhi, You, "A typology of food security in developing countries", China Agricultural Economic Review, Vol. 5, Iss. 1, 2013.
 - Busta, Francis; Kennedy, Shaun, Chapter 7: Defending the Safety of the Global Food System from Intentional

- Contamination in a Changing Market, *Advances in Food Protection-Focus on Food Safety and Defence*, (NATO Science for Peace and Security Series-A: Chemistry and Biology, edited by Magdy Hefnawy, Springer, 2011.
- Butrico, Gina Marie, *Food Security and Identity: Iceland*, MA, Kent State University, College of Arts and Sciences, Department of Geography, 2013.
 - Cameron, Allen; Stuart, Clouth, *A guidebook to the Green Economy*, UNDESA, Division for sustainable Development, 2012.
 - FAO, *Economic and social development, Trade Reforms and Food Security*, chapter2: Food security: concepts and measurement, FAO corporate Document Repository based on a paper prepared by Edward Clay of the Overseas Development Institute, London, UK, for the FAO Expert Consultation on Trade and Food Security: Conceptualizing the Linkages, Rome, 11-12 July 2002.
 - FAO, IFAD and WFP, *State of Food Insecurity in the World 2015(SOFI 2015)*, Meeting the 2015 international hunger targets: taking stock of uneven progress, Rome, 2015.
 - FAO, *Voluntary Guidelines to Support the Progressive Realization of the Right to Adequate Food in the Context of National Food Security*, 2005.
 - Fulai, Sheng; et al, *Uncovering Pathways towards an Inclusive Green Economy (A summary for Leaders)*, UNEP, 2015.
 - High Level Panel of Experts on Food Security and Nutrition of Committee on World Food Security Report (HLPE Report, CFS), *Social Protection for food safety*, N4, Rome, Jun 2012.
 - Muhammad, A., "Present Situation and Future Outlook for Food Security in the Muslim World, Proceedings of the Seminar on Food Security in the Muslim World, Organized by the Islamic Academy of Sciences, Amman, Jordan, 5-7 December, 1987.
 - Robinson, Mary, "The Human Right to Food and Nutrition Keynote Address", from Sub-Committee on Nutrition-United Nations System's Forum on Nutrition, *SCN News: Adequate Food - A Human Right*, No 18, 1999.
 - Schutter, Olivier, "The Right of Everyone to Enjoy the Benefits of Scientific Progress and the Right to Food: From Conflict to Complementarity", *Human Rights Quarterly*, Vol. 33, 2011.
 - Simon, George-André, *Food Security: Definition, Four dimensions, History, Basic readings as an introduction to Food*

-
- Security for students from the IPAD Master, SupAgro, Montpellier attending a joint training programme in Rome, 2012.
- Spitz, P. "The right to food in historical perspective", Food Policy, Vol. 10, 1985.
 - United Nations, Report of the World Food Conference, Rome 5-16 November 1974, New York, 1975.
 - Wilson, Norbert; Worosz, Michelle, "Zero tolerance rules in food safety and quality", Food Policy, Volume 45, 2014.
 - World Bank, Poverty and Hunger: Issues and Options for Food Security in Developing Countries. Washington DC, 1986.
 - World Commission on Environment and Development, Our Common Future, 1987.
 - Zhangyue, Zhou, "Achieving food security in China: past three decades and beyond", China Agricultural Economic Review, Vol. 2, Iss 3, 2010.